

مطالعه تطبیقی جرایم جنسی در حقوق کیفری بین‌النهرین باستان، آیین کیفری یهود، فقه جزایی اسلامی و حقوق ایران

محمد جواد کبریته، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه گیلان
حسین آقابابایی*، استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان
حسن شاه‌ملک‌پور، استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان
(تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۴)

چکیده:

محدودیت‌های مقرر برای روابط جنسی بشر، از جمله مباحثی است که علاوه بر آموزه‌های دینی، در اعصار مختلف تاریخ مورد توجه قانونگذاران و نظام‌های حقوقی عرفی نیز قرار گرفته است. در حال حاضر نیز با وجود تفاوت‌های فرهنگی و ایدئولوژیک و نوع نگاه به انسان و شخصیت او، شاهد ممنوعیت‌هایی به عنوان جرایم جنسی، در نظام‌های مختلف حقوقی هستیم. در حقوق اسلام، جرایم جنسی غالباً با مجازات‌های معین و مقدر شرعی (حد) پاسخ داده شده که مقررات کیفری فعلی ایران در این حوزه، انعکاس همین رویکرد است. بررسی سیر این جرایم در تاریخ حقوق کیفری و قانون‌نامه‌های باستانی می‌تواند به درک بهتر بازتفسیر این جرایم در فقه جزایی اسلام کمک کند و رویکرد حقوق کیفری ایران در جرایم جنسی را تبیین نماید.

یافته‌های این تحقیق نشان‌گر آن است که محدودیت‌های جنسی و ارزش‌گذاری کیفری برای نقض هنجارهای اجتماعی در این حوزه، در قانون‌نامه‌های باستانی و آموزه‌های ادیان ابراهیمی از جمله اسلام و یهودیت، موافق فطرت و طبیعت انسان است. در عین حال، فلسفه جرم‌انگاری و اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی، در قانون‌نامه‌ها و ادیان، تفاوت‌های بنیادی دارند.

کلیدواژه‌ها: جرایم جنسی، تاریخ حقوق کیفری، قانون‌نامه‌های بین‌النهرین، آیین یهود، فقه جزایی.

۱. مقدمه:

محدودیت‌های مقرر برای روابط جنسی از جمله مسائلی است که در اعصار مختلف تاریخ مورد توجه قانونگذاران و جوامع بوده و امروزه نیز شاهد جرم‌انگاری این دسته از اعمال در نظامهای مختلف حقوقی جهان هستیم. در قوانین کیفری نظام‌های مبتنی بر لیبرالیسم و آزادی فردی نیز بخشی از مقررات کیفری به این جرایم اختصاص یافته است. بزه‌های جنسی در حقوق اسلام در ردیف جرایم مهم و غالباً در زمره حدود و دارای کیفرهای سخت است. توصیف جرایم و کیفرهای مقرر برای بزه‌های جنسی در حقوق کیفری ایران نیز، به برداشت و تفسیر مشهور فقه شیعه از این آموزه‌ها مستند گردیده است.

بررسی این جرایم از منظر تاریخ حقوق کیفری می‌تواند به درک بهتر ریشه‌های تاریخی این جرایم و تشخیص میزان تأسیسی یا امضایی بودن آنها در حقوق کیفری اسلامی کمک کند. هدف این مقاله، بررسی جرائم جنسی در قانون نامه‌های باستانی، آیین کیفری یهود و فقه جزایی اسلام و تطبیق آن با مقررات جاری حقوق کیفری ایران است. این موضوع از طریق برجسته نمودن نقاط مشترک و بیان تفاوت‌ها در توصیف یا نوع و شیوه تنظیم پاسخ‌های کیفری در خصوص بزه‌های جنسی پیگیری شده است. با توجه به تعدد جرایم جنسی در حوزه مورد بررسی، امکان تمرکز بر جرم خاص و تحلیل جرم‌شناختی و یا کیفر‌شناسانه در خصوص کلیه جرایم جنسی فراهم نیست و به مجال دیگری واگذار می‌گردد.

روش مطالعه انتخاب شده، با توجه به تقسیم‌بندی این جرایم در باب حدود قانون مجازات اسلامی است و در ذیل هر عنوان، بزه‌هایی که در قانون نامه‌ها یا شرایع دیگر مطرح بوده، مورد اشاره و تطبیق قرار گرفته است.

رفتارهای جنسی جرم‌انگاری شده در حقوق کیفری ایران به دو دسته کلی جرایم جنسی مستقیم (اصلی) جرایم جنسی غیر مستقیم (فرعی) قابل تقسیم هستند. بزه‌های جنسی مستقیم، بزه‌هایی است که رابطه جنسی بین دو نفر، اعم از هم‌جنس یا غیر هم‌جنس را مورد توجه قرار می‌دهد. جرایم زنا، لواط و مساحقه که به ترتیب ابواب اول، دوم و سوم کتاب دوم قانون مجازات اسلامی (از این پس ق.م.ا.) را به خود اختصاص داده‌اند در این دسته قرار می‌گیرند. مراد از بزه‌های جنسی غیر مستقیم نیز بزه‌هایی است که مرتبط با بزه‌های مستقیم هستند و عبارتند از قوادی و قذف که این دو نیز در باب‌های چهارم و پنجم کتاب دوم ق.م.ا. مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲. بزه‌های جنسی مستقیم:

۱.۲ زنا:

ماده ۶۳ ق.م.ا زنا را تعریف می‌کند^۱. این تعریف، اقسام زنا را در خود جای می‌دهد. اما برای دقیقتر شدن بحث، بهتر است که زنا را با توجه به تقسیماتی که به صورت ضمنی از قانون مجازات اسلامی استفاده می‌شود؛ یعنی زنا به عنف و به رضایت که خود باز به اقسامی تقسیم می‌شود منقسم نموده، تحت آن عناوین مورد بررسی قرار دهیم:

۱.۱.۲ زنا به عنف و اکراه:

این جرم در همه زمانها و مکانها مورد توجه قرار گرفته، و با سخت‌گیری شدید کیفری همراه بوده است. در بند «د» ماده ۸۲ ق.م.ا نیز «زنا به عنف و اکراه»، در زمره مواردی که زنا موجب قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن و غیر محصن نیست، ذکر شده است. در این بند، «عنف» و «اکراه» در کنار هم ذکر شده و مجازات را برای زانی اکراه‌کننده وضع کرده و به نظر می‌رسد اکراه به زنا توسط زانیه یا زن را اصلاً قابل تصور ندانسته است؛ در صورتی - که آنچه نوعاً از طرف زن غیر قابل تصور است «عنف» است نه اکراه. این ماده دارای سابقه‌ای فقهی است و برخی از فقیهان اسلامی، اکراه را تنها از ناحیه مرد به زن مفروض داشته‌اند. برای مثال عبارت «من غضب امرأه فرجها» - هر کس فرج «زنی» را غضب نماید (ابن براج، ۵۱۸/۲؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۲۷)؛ و یا هرگاه «زنی» ادعای اکراه بر زنا کند پذیرفته می‌شود. (خوئی، ۱۳۸۷: ۲۰۹/۴۱؛ شیخ طوسی، ۱۰/۸؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۳۶/۲) و یا اگر فردی «زنی» را بر زنا اکراه کند به دلیل زنا کشته می‌شود، (خوئی، ۱۳۸۷: ۲۳۵/۴۱) به همین موضوع اشاره دارند. این در حالی است که برخی از فقهای شیعه، اکراه از جانب زن نسبت به مرد را نیز با اما و اگرهایی پذیرفته‌اند. (نجفی، ۱۳۶۷: ۲۶۵/۴۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۹۳۳/۴) در منابع اهل سنت نیز با استدلالی مشابه علمای شیعه، (عدم امکان انتشار آلت) اکراه نسبت به مرد را رد کرده‌اند. (ابن نجیم، ۳۱/۵، ابوالبرکات، ۳۱۸/۴ و سرخسی، ۸۸/۲۴). در قانون نامه‌های باستانی مانند قانون نامه حمورابی یا اورنمو، هر چند به طور صریح به این مطلب پرداخته نشده است، اما آنچه از این قانون نامه‌ها بر می‌آید، همان قول مشهوری است که میان فقهای اسلامی رایج است و قانون ایران نیز از آن تبعیت نموده است و در آن، سخنی از اکراه مردان توسط زنان مطرح نگردیده است.

۱ ماده ۶۳ ق.م.ا: «زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در ذکر باشد در غیر موارد وطی به شبهه».

علاوه بر این، این قانون نامه‌ها میان زنای به‌عنف با دختری که ازدواج ناقص (نامزد) نموده، با دختری که مجرد است تفاوت قائل شده‌اند و این مورد را ملحق به رابطه به‌عنف با زن شوهردار محسوب کرده و مستوجب کیفر اعدام دانسته‌اند.

ماده ۱۶ قانون نامه اور- نمو، قدیمی‌ترین قانون کشف شده (۲۱ قرن پیش از میلاد) در مورد تجاوز به‌عنف به‌زوجه (زنی که ازدواج او هنوز کامل نشده) مقرر می‌دارد، این جرم مستوجب کیفر اعدام است. (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۲۵)

موضوع بحث این ماده، تحمیل رابطه جنسی به دختری است که ازدواج کرده اما ازدواج او هنوز به نزدیکی با شوهر منجر نشده است.

در بند ۲۶ قانون نامه اشنونا (۱۸ قرن پیش از میلاد) آمده: «اگر کسی برای دختر کسی هدیه عروسی بیاورد، اما دیگری بدون رضایت پدر و مادر دختر او را برباید، سپس ازاله بکارت کند، این جرم به راستی مستوجب اعدام است- او خواهد مرد» (بادامچی، ۱۳۸۲: ۶۸).

ماده ۱۳۰ قانون نامه حمورابی هم به همین جرم پرداخته است: «اگر شخصی (نامزد) شخص (دیگری) را که هنوز با مردی آمیزش نکرده است و در خانه پدرش زندگی می‌کند، اسیر کرد و با او هم آغوش شد و آنان او را دستگیر کردند، آن شخص باید به قتل برسد، در حالی که آن زن باید آزاد گردد».

در مورد تجاوز به‌عنف به زن شوهردار، در قوانین آشوری میانه (۱۲ قرن پیش از میلاد) لوح A مواد ۱۲ و ۲۳ مجازات مرگ را مقرر کرده‌اند، قوانین هیتی‌ها (۱۳ قرن پیش از میلاد) نیز ماده ۱۹۷ خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند: «هرگاه مردی زنی را در کوهستان به دام انداخته و به او تجاوز کند، مرد مجرم خواهد بود، اما اگر آن زن را در خانه‌اش بدام اندازد در این صورت زن مجرم محسوب شده کشته خواهد شد. هرگاه شوهر آن زن متوجه عمل آنها شود می‌تواند بدون اینکه مرتکب جرمی شود آنها را بکشد»^۱.

از منظر شریعت یهود نیز، مانند اکثر قانون‌نامه‌های باستانی تجاوز به‌عنف نسبت به دختری که نامزد شده مستوجب مجازات مرگ است (تثنیه، باب ۲۲ آیه ۲۵).

البته این حکم اخیر تورات را می‌توان به تجاوز به‌عنف به زن شوهردار هم تعمیم داد، هم به قیاس اولویت و هم به دلیل مطالبی که در مورد الحاق زنای با زنی که ازدواج ناقص کرده با زن شوهردار بیان شد.

۱. اگر مردی به حق دیگری تعرض کند و از همسر باکره مرد جوانی ازاله بکارت نماید، آنها باید آن مرد را بکشند.

۲. بحث مطابقت ذیل این ماده با ماده ۶۳۰ ق.م.ا را در بخش زنای محصنه بررسی خواهیم کرد.

در حقوق اسلام و ق.م.ا. برخلاف قانون نامه‌های باستانی، تفاوتی در زنای به عنف با زن شوهردار یا نامزد و یا مجرد دیده نمی‌شود و مجازات آن در هر صورت مرگ است.^۱ اما در مورد زنای به عنف با دختر مجرد، قوانین باستانی مجازات جالب توجهی را وضع کرده‌اند که مورد توجه آئین یهود نیز واقع شده است. بنابر قوانین آشوری میانه، لوح A ماده ۵۵، در جایی که یک دختر مجرد مورد تجاوز به عنف قرار گیرد، پدر او می‌تواند از متجاوز بخواهد که با دختر او ازدواج کند بدون اینکه حق طلاق داشته باشد و پول عروسی (مهریه و شیر بها) را نیز بپردازد، یا اینکه بدون تحقق عروسی، پول عروسی را مطالبه کند و اگر متجاوز ازدواج کرده باشد همسر وی را باید تحویل پدر دختر بدهند تا مورد سوء استفاده جنسی قرار دهد. که این مجازات خود در زمره مجازات‌های نیابتی است که بزه دیده اصلی و بزه‌کار در آن هیچ نقشی ندارند و پدر شاید به عنوان رئیس خانواده و اینکه افراد خانواده از آن او شمرده می‌شوند بزه دیده شمرده می‌شود و مجازات آئینه‌ای^۲ را به مال بزه‌کار یعنی همسر او وارد می‌آورد (نجفی، ۱۳۸۳: ۸۹).

نکته دیگر، پرداخت پول عروسی است که می‌توان آن را با پرداخت مهرالمثل در خصوص ازاله بکارت به عنف در حقوق اسلامی مقایسه کرد. از دیدگاه فقه اسلامی، «هرگاه کسی زنی را اکره کند و با او جماع نماید و در اثر این جماع آن زن افضاء شود، او دیه افضاء و مهرالمثل ازاله بکارت را با هم باید بپردازد.» (خوئی، ۱۳۸۷: ۴۰۶/۴۲، همچنین ر.ک. شیخ طوسی، ۱۵۰/۷ و شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۲۴/۹؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۶۰/۱). با این تفاوت که از نظر فقه اسلامی، مهرالمثل، به شخص مجنی علیه تعلق می‌گیرد و از اموال او محسوب می‌شود؛ چنانکه در قرآن کریم پنج مرتبه بر پرداخت مهریه به خود زن تاکید شده است. (ر.ک. نساء، ۲۴، نساء، ۲۵، مائده، ۵، ممتحنه، ۱۰ و طلاق، ۶) حکم به پرداخت مهرالمثل به زنی که اکره بر زنا شده مورد حمایت فقهای اهل سنت نیز هست و ایشان هر زن اعم از باکره یا غیر باکره را مستحق آن می‌دانند. (ابن قدامه، ۶۵۳/۹).

در شریعت یهود زنا با دختر باکره ی مجرد (نامنسوبه) به ازدواج اجباری با دختر بدون حق طلاق و الزام به پرداخت پول عروسی منجر می‌شود (مثنی، فصل ۲۱ آیات ۲۸ و ۲۹). اما در خصوص زنا با دختر باکره ای که دارای نامزد است، مجازات موردی که این عمل در شهر انجام شود با جایی که در خارج شهر باشد متفاوت است؛ به گونه ای که اگر این عمل در شهر انجام شد، هر دو

۱. ماده ۸۲ ق.م.ا. «حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن و غیر محصن نیست. ...بند د- زنای به عنف و اکره که موجب قتل زانی اکره کننده است.

۲. مجازات آئینه ای (Mirror Punishment) به معنای اعمال همان عملی است که بزه‌کار بر بزه دیده اعمال داشته است، چیزی شبیه به مقابله به مثل (قصاص) (http://en.wikipedia.org/wiki/Mirror_punishment)

طرف گناهکار تشخیص و سنگسار می شوند، اما اگر در صحرا و بیابان باشد، فقط مرد مجازات می شود و بر زن کیفری نیست. به نظر می رسد علت تفاوت این دو مورد، حمل بر رضایت کردن رابطه جنسی در شهر و به عنف و زور بودن ارتباط جنسی در بیابان و صحرا است. (نوبهار، ۱۳۷۸: ۱۹۲)

بدین سان، می توان نتیجه گرفت که در قانون نامه های باستانی و شریعت یهود، جرم انگاری زنا به عنف بیشتر در مقام تامین حق پدر یا زوج بوده است و توجهی به خود بزه دیده نداشته است، ولی در حقوق اسلامی این نقیصه تا حدی مرتفع گردیده و در نظام های حقوق عرفی مدرن نیز، علاوه بر تعیین مجازات شدید حبس ابد برای مرتکب زنا به عنف، نوعی دید حمایتی به بزه دیده این جرایم دارند و با توجه به تعیین کننده بودن عنصر رضایت (consent) در روابط جنسی، عدم رضایت به رابطه جنسی حتی در روابط جنسی زوجین نیز می تواند جرم تجاوز به عنف به حساب آید. (A. Martin, 2003: 406; Elliot, p.122)

۲.۱.۲ زنا به رضایت:

زنا به رضایت را بر اساس مواد قانون مجازات اسلامی در سه بخش زنا با محارم، زنا با محصنه و زنا غیر محصنه (به رضایت بین دو فرد مجرد) بررسی می شوند.

۱.۲.۱.۲ زنا با محارم:

این نوع از رابطه جنسی در بند الف ماده ۸۲ ق.م.ا. با ضمانت اجرای قتل جرم دانسته شده است. قانونگذار در این ماده، تنها به اعلام مجازات زنا با محارم نسبی بسنده نموده و تعریف محارم نسبی و مصادیق آن را به قوانین و مقررات مربوطه موکول نموده است.^۱

با توجه به بند اول ماده ۸۲، در صورت بروز زنا با محارم غیر نسبی (سببی یا رضایی)، باید حکم عام زنا یعنی صد ضربه شلاق حدی، مندرج در ماده ۸۸ ق.م.ا.، و در صورت احصان زانی یا زانیه، مجازات مندرج در ماده ۸۳ یعنی رجم را جاری دانست. البته دیدگاه مورد حمایت در قانون مجازات اسلامی، نظر مشهور فقهی است که کیفر زنا با محارم را منحصر به محارم نسبی دانسته اند (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۱۲/۴۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۶۲/۹؛ ابن براج، ۵۱۹/۲). اما برخی نظرات فقهی، این حکم را شامل محارم رضاعی و بالمصاهره (سببی) هم می دانند (شیخ طوسی، ۸/۸، ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۳۳/۲ و خوئی، ۱۳۸۷: ۲۳۳/۴۱). این اختلاف در فقه اهل سنت نیز دیده می شود.

۱. ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی اقارب نسبی را در چهار بند ذکر می کند: ۱. پدر و اجداد و مادر و جدات و هر قدر بالا رود. ۲. اولاد و هر قدر پایین رود. ۳. برادر و خواهر و فرزندان آنها و هر قدر پایین رود و ۴. عمات و خالات و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات.

از نحوه بیان امام مالک بر می آید که محارم را محدود به محارم نسبی دانسته است (مالک، ۱۳۲۳: ۲۰۹/۶)؛ اما شافعی آن را اعم از نسبی و غیر نسبی می داند (شریینی، ۱۳۷۷: ۱۴۶/۴).

در قوانین باستانی، نه تنها تفاوتی بین محارم نسبی و سببی قائل نشده اند، بلکه پا را فراتر نهاده و مواردی که در اسلام تنها از موارد حرمت نکاح است نه محرمیت، را هم در حکم زنا با محارم دانسته اند.

قدیمی ترین قانون نامه ای که زنا با محارم در آن ذکر شده، قانون حمورابی است. این قانون در سه ماده، دو نوع مجازات تبعید و مرگ را بسته به نوع زنا با محارم به شرح زیر مقرر می کند. الف) زنا با دختر: تبعید. ماده ۱۵۴ مقرر می دارد: اگر شخصی با دختر خود نزدیکی کرد، آنان باید آن شخص را مجبور به ترک شهر کنند.

ب) زنا با مادر و پسر پس از مرگ پدر: مرگ برای هر دو. ماده ۱۵۷ مقرر می دارد: اگر شخصی پس از (مرگ) پدرش، با مادرش هم آغوش شد، آنان باید هر دو آنها را بسوزانند.

ج) زنا با پسر شوهر و عروس: مرگ پدر شوهر. ماده ۱۵۵ مقرر می دارد: اگر شخصی برای پسر خود عروسی انتخاب کرد و پسر با او آمیزش کرد ولی خود او نیز (با آن زن) هم آغوش شد و آنان او را دستگیر کردند، آنان باید آن شخص را بسته و داخل آب بیاندازند.

قوانین هیتی ها نیز فهرستی مفصل از زنا با محارم (اعم از نسبی، سببی و غیره) را در مواد ۱۸۹ تا ۱۹۵ جرم انگاری کرده است.

الف) پسر و مادر و پدر و دختر. ماده ۱۸۹ مقرر می دارد: اگر مردی با مادر یا دختر یا پسر خود رابطه جنسی برقرار کند، رابطه ای غیر مجاز خواهد بود.

ب) پسر و زن پدر طی حیات پدر. ماده ۱۹۰: اگر با مرد یا زن مرده ای (این بخش از بین رفته است) جرم نیست. اگر مردی با مادر خوانده خودش رابطه جنسی برقرار کند، جرم نیست، مگر این که پدر هنوز در قید حیات باشد که در این صورت رابطه ای غیر مجاز خواهد بود.

مورد فوق در فقه اسلامی، از موارد حرمت نکاح است؛ چنانکه در آیه ۲۱ سوره نساء می فرماید: « و لاتنکحوا ما نکح آبائکم» و بند ۲ ماده ۱۰۴۷ ق.م. بدان اشاره دارد. و بند ب ماده ۸۲ ق.م.ا نیز به این زنا اشاره می کند و این را مستوجب قتل زانی می داند هر چند در میان فقها، صاحب جواهر با ذکر نظرات مخالف و رد آنها و همچنین آیت الله خوئی، این رابطه را مستلزم رجیم می شناسند، هر چند زانی غیر محصن باشد (صاحب جواهر، ۱۳۶۷: ۳۱۶/۴۱ و خوئی، ۱۳۸۷: ۲۳۳/۴۱). البته لازم به ذکر است که در فقه اسلامی، تفاوتی بین زمان حیات و ممات پدر در حکم نیست.

ج) یک مرد و دو زن آزاد که مادر و دختر باشند. ماده ۱۹۴: هرگاه مرد آزادی، با زنان برده ای که دارای مادر مشترکی هستند و نیز با مادر آنها همبستر شود، جرم نخواهد بود. اگر چند برادر با

یک زن همبستر شوند جرم نخواهد بود. هرگاه پدر و پسری با یک زن برده یا یک زن روسپی همبستر شوند جرم نخواهد بود.

باید توجه داشت که قضیه مورد بحث از مفهوم مخالف صدر ماده بر می آید و به طور صریح در ماده ذکر نشده است.

حکم این ماده نیز از موارد حرمت نکاح در فقه اسلامی است و امری محال است زیرا در صورت نکاح و دخول یا زنا با مادر، به حکم صریح قرآن در آیه ۲۳ سوره نساء «حرمت علیکم...ربائبکم الّاتی فی حجورکم من نسائکم الّاتی دخلتم بهنّ» تحریم گردیده و کتب فقها نیز به این مسأله تأکید دارند (ر.ک شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۷۷/۵) بند ۳ ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی^۱ هم همین حکم را بیان می‌دارد، پس نکاح با دختر حرام می‌گردد و در صورت نکاح، هرچند بدون دخول یا زنا با دختر هم نکاح با مادر او به دلیل مصاهره تحریم گردیده که مستندات این حکم را هم می‌توان در بخش دیگری از آیه ۲۳ سوره نساء «حرمت علیکم...امهات نسائکم»، کتب فقها (ر.ک همان) و بند ۱ ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی^۲ یافت. پس در فقه اسلامی هم جمع بین مادر و دختر به دلایل فوق ممنوع است. اما در خصوص رابطه جنسی خارج از نکاح (زنا)، حکم خاصی در این رابطه وضع نشده و مشمول حکم کلی زنا، مذکور در ماده ۸۸ و در صورت احصان ماده ۸۳ ق.م.ا می‌گردد.

(د) یک مرد و زن برادر در طی حیات برادر، ماده ۱۹۵ الف: هرگاه مردی با زوجه برادر خود، همبستر شود در حالی که برادرش زنده است رابطه ای غیر مشروع خواهد بود.

(ه) یک مرد و دختر همسرش. ماده ۱۹۵ ب: هرگاه مرد آزادی که دارای همسر آزاد باشد با دختر آن زن نزدیکی نماید رابطه ای غیر مشروع خواهد بود.

در خصوص نکاح با دختر همسر به مندرجات فوق می‌توان رجوع کرد.

(و) یک مرد و خواهر زن. ماده ۱۹۵ ج: هرگاه مرد آزادی دختری را در زوجیت خود داشته باشد و با مادر یا خواهر او نزدیکی کند، رابطه ای غیر مشروع خواهد بود.

رد پای این مطلب نیز در فقه اسلامی علاوه بر حرمت نکاح مادر زوجه به دلیل مصاهره، می‌توان در موارد حرمت نکاح با دو خواهر (جمع بین اختین) یافت. ذیل آیه ۲۳ سوره نساء می‌فرماید: «حرمت علیکم...أن تجمعوا بین الاختین...» که در منابع فقهی نیز می‌توان آنرا یافت (ر.ک همان) و ماده ۱۰۴۸ ق.م.هم همین قاعده را قانونمند کرده است.^۳

۱ بین مرد و اناث، از اولاد زن، از هر درجه که باشد و لو رضاعی مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد.

۲ بین مرد و مادر و جدات زن او، از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی.

۳ جمع بین دو خواهر ممنوع است اگرچه به عقد منقطع باشد

بدین ترتیب، در موارد بالا مجازاتی مقرر نشده است اما از منبع دیگری به زبان هیتی - دستورالعمل هایی به فرمانده گارد مرزی - درمی یابیم که این جرایم، بنا بر سنت محلی با کیفر مرگ یا تبعید (مانند قانون حمورابی) مجازات می شد (نجفی، ۱۳۸۳: ۷۴).

البته نکته جالب توجه این که در ماده ۱۹۳ قانون هیتی ها، ازدواج مرد، با زن برادر خود را، در صورتی که آن برادر مرده و از او فرزند ذکور باقی نمانده باشد (در اصطلاح کتاب تورات، ازدواج لویرات)، از روابط جنسی با همسر برادر (به هنگام حیات برادر) جدا می کند (اولی مجاز و دومی ممنوع). قسمت اول ماده ۱۹۳ می گوید: «اگر مردی همسر دارد و مرد بمیرد، برادرش زن او را به همسری خواهد گرفت» (همان، ۷۵ و ۷۶).

در قوانین یهود، باب هجدهم از سفر لاویان، فهرستی از روابط جنسی با محارم از جمله زنا با پدر یا مادر (آیه ۷)، زن پدر (آیه ۸)، خواهر اعم از ابی، امی یا ابوینی (آیه ۹)، نوه دختری (آیه ۱۰)، عمه و خاله (آیه ۱۲ و ۱۳)، عمو و همسر او (آیه ۱۴)، عروس (آیه ۱۵)، زن و فرزندان برادر (آیه ۱۶ و ۱۷) را در بر دارد که ضمن تحریم آن، این رابطه ها را عنوان «شنیع» یا «بسیار قبیح» می دهد. گفته شده که مجرم خود را آلوده می کند (آیه ۲۴) و کوتاهی در مهار چنین آلودگی ممکن است به شکست و اخراج از سرزمین (تبعید) منجر شود (آیه ۲۵).

حال آنکه فهرست روابط حرام، حتی در دو منبع سفر لاویان تفاوت دارد (و نیز با سفر تثئیه) و هیچ کدام جامع نیست. بی شک رابطه جنسی با دختر حرام بوده، اگرچه ممنوعیت در فهرست های کتاب مقدس نیامده است. تمام منابع نه تنها رابطه با خویشاوندان نسبی بلکه رابطه با خویشاوندان سببی را نیز ممنوع می کنند. در خصوص رابطه جنسی با خویشاوندان سببی، این نوع رابطه در درجه اول زنا محصنه است. بنابر این، مواردی که صرفاً زنا با محارم مصداق پیدا می کند یا به دوران بیوگی مربوط است یا به همدستی شوهر، نکته اینجاست که به رغم رضایت شوهر، این عمل هنوز جرم است، چون آلودگی ایجاد می کند (نجفی، ۱۳۸۳: ۷۴ و ۷۵).

در خصوص تورات، نکته جالب تر تعارضی است که در خصوص زنا با محارم به چشم می خورد. در سه مورد کتاب مقدس (در سفر لاویان) روابطی را ممنوع می کند که در جاهای دیگر کتاب مقدس مشروع است:

۱. ازدواج با خواهر ناتنی: لاویان، باب ۱۸ آیه ۹، تثئیه، باب ۲۷ آیه ۲۲ که این امر را ممنوع کرده اند و در مقابل، پیدایش، باب ۲۰ آیه ۱۲ از زبان حضرت ابراهیم می گوید: «خواهر من، دختر پدر من است، نه دختر مادرم که به همسری من در آمده». و کتاب دوم سموئیل باب ۱۳ آیه ۱۳ نیز که داستانی در خصوص رابطه جنسی با خواهر است.

۲. ازدواج با دو خواهر: لاویان، باب ۱۸ آیه ۱۸ که ازدواج یعقوب با لیه و راحیل مذکور در پیدایش، باب ۲۹ آیات ۱۵ تا ۳۰ در برابر حکم اول قرار دارد.

۳. ازدواج لویرات^۱ (ازدواج با زن برادر): لاویان، باب ۱۸ آیه ۱۶ از این ازدواج نهی نموده، ولی این نوع ازدواج در سفر تشیه، باب ۲۵ آیه ۵ بعنوان وظیفه و تکلیف توصیه شده است؛ البته تعارض در صورتی است که معنای آیه محدود به دوران زندگی برادر نباشد.

ب) نوع مجازات:

در قوانین باستانی، برخلاف فقه اسلامی که زنا با محارم را تنها مستوجب اعدام می‌داند، دو نوع مجازات تبعید و اعدام به چشم می‌خورد، که شاید در نگاه اول هیچ رابطه و نظم قابل درکی در خصوص موارد تبعید و مرگ به چشم نخورد. قانون حمورابی، نیز چنان که پیشتر در خصوص معیار جرم انگاری زنا به عنف گفتیم، شاید از آنجا که دختر را ملک پدر می‌داند، مجازات خفیف تری نسبت به مرگ بر پدر بار می‌کند. هرچند این معیار را نمی‌توان به طور قطع در موارد تبعید و اعدام به سبب زنا با محارم در قانون هیتی‌ها بار کرد؛ زیرا مبانی کیفری اقوام هیتی در قوانین و اسناد به دست آمده از آنها کاملاً برای ما مشخص نیست.

۲.۲.۱.۳. زنا محصنه:

در حقوق ایران با توجه به پیشینه تاریخی و اقتباس از فقه امامیه، سنگین ترین مجازات یعنی رجم (سنگسار) متعلق به زنا محصنه است. چنان که در ماده ۸۳ ق.م.ا. بیان می‌دارد: «حد زنا در موارد زیر رجم است: الف: زنا مرد محصن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت بخواهد می‌تواند با او جماع کند. ب: زنا زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده و امکان جماع با شوهر را داشته باشد».

قانونگذار در این ماده، علاوه بر اعلام حکم، اقدام به تعریف احصان که از شرایط مشدده محسوب می‌شود، می‌کند. و در ماده ۸۵ مورد دیگری را به این شرایط می‌افزاید که آن، طلاق رجعی، پیش از سپری شدن ایام عده است که موجب احصان است.

الف) تعریف احصان:

همان گونه که اشاره شد، ماده ۸۳ ق.م.ا. به صراحت احصان را تعریف نموده، که خود تعریف، در واقع توجیه شدت کیفر است. در قوانین باستانی به ویژه قانون نامه حمورابی، بنا بر ماده ۱۴۰ اگر

۱ یعنی ازدواج مردی با زن برادر خود در صورتی که آن برادر مرده و از او فرزند ذکور باقی نمانده باشد. (نجفی، ۱۳۸۳: ۷۵)

معلوم شود زنی به طور ناقص ازدواج کرده و در دوران نامزدی‌اش پاکدامنی خود را حفظ نکرده، عمل او زنا تلقی شده و مستحق مجازات مرگ است.

این موضوع در دیگر قوانین باستانی نیز کم و بیش مورد تایید است و غالباً کوشیده‌اند زنی را که ازدواج ناقص کرده و نامزد است، به زن شوهردار ملحق کنند، چنان که در بخش زنا به عنف به آن اشاره شد.

البته در فقه اسلامی و به تبع در ماده ۸۷ ق.م.ا^۱ مجازات «مردی» که ازدواج ناقص کرده یعنی «متاهل است» اما «قبل از دخول مرتکب زنا شده» تشدید شده است، اما اینکه تنها مجازات مرد با شرایط مذکور تشدید شده به اختلاف فقها بر این امر باز می‌گردد. ایشان بالاجماع زن را از حد تراشیدن سر معاف می‌دانند و مشهور تبعید را نیز برای زن قابل اجرا ندانسته، اما عده‌ای چون آیت الله خوئی با ذکر قول مشهور، ادعای اجماع بر آن را رد کرده و چنین زنی را مستحق تبعید دانسته- اند (خوئی، ۱۳۸۷: ۲۴۴/۴۱، همچنین برای دیدن نظرات فقها ر.ک صاحب جواهر، ۱۳۶۷: ۳۲۳/۴۱)

(ب) مبنای جرم انگاری:

از رفتارهای جنسی‌ای که در طول تاریخ بیشتر مورد تقبیح و تحریم و جرم انگاری واقع شده، زنا محصنه است. چنان که از پیشینه تاریخی این جرایم برمی‌آید، این جرم ناشی از برخورد تحقیر آمیزی است که در طول تاریخ با جنس زن می‌شده و در زنا محصنه این حق شوهر است که نقض گردیده و مبنای تاسیس این جرم تامین حق مالکیت شوهر بر زن است.^۲ شاهد این سخن، این که به طور کلی، آنچه از قانون نامه‌های باستانی بر می‌آید، این است که رابطه جنسی زن شوهردار با مردی غیر از شوهر خود زنا محسوب می‌شود، اما اگر مرد متاهل با زنی غیر از همسر خود نزدیکی می‌کرد زنا محسوب نمی‌شد. مگر این که طرف او زنی شوهردار بود. همچنین اگر شوهر به رفتار همسرش رضایت داشت زنا نمی‌توانست جرمی علیه شوهر تلقی شود، برای نمونه به حکم قوانین آشوری اگر احتمال می‌رفت که شوهر، زن را برای فحشا فرستاده است جرم زنا محقق نمی‌شود. (قوانین آشوری میانه، لوح A، ماده ۱۴)

۱ مرد متاهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حد جلد و تراشیدن سر و تبعید به مدت یک سال محکوم خواهد شد.
 ۲. این جنبه مالکیت مرد نسبت به زن را حتی می‌توان از ده فرمان فهمید. فرمان دهم چنین است: «به زن همسایه ات و غلامش و کنیزش و گاوش و... و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد طمع نکن» (خروج، ۲۰: ۱۷) ذکر نام زن در کنار مایملکی مانند بردگان و حیوانات نشانه تلقی فوق است.

البته در دوران باستان، به لحاظ جرم و مستلزم مجازات بودن، زنا جرمی علیه شوهر بود که توسط زوجه ی فاسق او ارتکاب می یافت، اما به هر ترتیب، زنا گناهی بود که در معرض کیفر الهی نیز قرار داشت. (نجفی، ۱۳۸۳: ۹۱)

حق مرد در زنا به قدری اهمیت داشت که در خصوص آن شوهر حق مطالبه مجازات مرگ را داشت. در صورت صلاح دید، شوهر می توانست مجازات خفیف تری تقاضا کند مانند قطع عضو. (قوانین آشوری میانه، لوح A، ماده ۱۵ب) یا با همسرش هرطور بخواهد رفتار کند. (همان ماده ۱۴) از آنجا که مجازات همسر به حقوق ازدواج باز می گردد، احتمال دارد صلاح دید فوق شامل این حق باشد که شوهر، به سادگی، همسرش را بدون پرداخت خسارتهای مالی معمول طلاق دهد. (ر.ک ماده ۱۴۱ قانون حمورابی)

علاوه بر این، مجازات فاسق متکی و وابسته به مجازات زوجه است؛ شوهر اجازه ندارد در حالی که خطای همسر خود را عفو می کند، خواهان کیفر فاسق شود. ماده ۱۵ب، لوح A، قوانین آشوری میانه تاکید می کند، مجازات فاسق با توجه به هر تخفیفی که شوهر در مجازات نسبت به همسر خود اعمال کند تخفیف می یابد. (نجفی، ۱۳۸۳: ۹۲ و ۹۳)

نقش رضایت شوهر در زنا محصنه، به گونه ای بود که در عهد عتیق تصریح می کند که مجازات فاسق مبتنی بر عدم رضایت شوهر به زنا ی همسرش است. از این رو سفر لایوان، باب ۲۰، آیه ۱۰ و تثنیه باب ۲۲ آیه ۲۲ بر کشته شدن هر دو طرف تاکید می کند: «اگر مردی در حال ارتکاب زنا با زن شوهرداری دیده شود، هم آن مرد و هم آن زن کشته شوند؛ به این ترتیب شرارت را از بنی اسرائیل پاک خواهد کرد.» (تثنیه) و «کسی که با همسر شخصی زنا کند و کسی که با همسر همسایه اش زنا کند باید کشته شود، زانی و زانیه» (لایوان) این نحوه بیان در سفر لایوان مهم و معنی دار است، به طوری که تنها خطاب به فاسق است. اما می افزاید «زانی و زانیه»، پس نشان می دهد مرگ اولی مشروط به مرگ دومی است. (نجفی، ۱۳۸۳: ۹۴)

بدین ترتیب می توان گفت که در حقوق باستان و یهود، زنا ی محصنه نوعی جرم خصوصی محسوب می شود و بسته به خواست شوهر زن؛ و همین طور در صورتی جرم است و مجازات اجرا می شود که تنها زن در رابطه جنسی محصنه باشد و به احسان مرد اهمیتی داده نشده، در حالی که در حقوق اسلام و ایران این را جرمی عمومی محسوب کرده و در هر صورت مجازات اجرا می شود و مهمتر اینکه مجازات مشدده، تنها گریبان گیر طرف محصن است، اعم از اینکه زن باشد یا مرد. آنچه در نظام کیفری اسلام در تشدید مجازات زنا ی محصنه مورد توجه است، هتک حرمتی است که طرف محصن، با امکان رابطه مشروع، نسبت به جامعه روا داشته است.

ج) شرایط تحقق:

در اسلام، تنها شرط تحقق زناى محصنه، احسان مرتکب است؛ اما آن گونه که از قوانین باستانی بر می آید، علاوه بر احسان، شرایط دیگری نیز برای تحمیل مجازات لازم است.

۱) لزوم علم به احسان زن:

این شرط شاید در حقوق اسلامی محلی از اعراب نداشته باشد، زیرا مجازات مشدد تنها بر طرف محصن بار می گردد و علم به وضعیت طرف مقابل اهمیتی ندارد. اما با توجه به این که اغوای مرد توسط زن به عدم احسان او در قوانین باستانی از عوامل مخففه یا رافع مسئولیت زنا می گردد. ماده ۱۳ لوح A، قوانین آشوری میانه، اصل کلی را در خصوص زناى محصنه این گونه بیان می کند: «اگر همسر مردی با مردی به محل زندگانی او رفته و مرد با او نزدیکی کرده است، در حالی که می دانسته او همسر مردی است مرد و هم زن کشته خواهند شد». (همان، ۹۱)

آنچه در ذیل ماده فوق مبنی بر علم به محصن بودن زن آمده در خود این قوانین آشوری و قانون اور- نمو با عنوان اغواء مرد توسط زن آمده است. مردی که مرد به وسیله زن اغواء می شود، و نسبت به وضع تاهل زن بی اطلاع است از اتهام زناى محصنه معاف می شود. زیرا در صورتی که مرد از شوهردار بودن زن بی خبر باشد مسئول نیست. اما شوهر می تواند همسر خود را هرگونه که می خواهد کیفر دهد. (قوانین آشوری میانه، لوح A، ماده ۱۴ب) (نجفی، ۱۳۸۳: ۹۱)

در این زمینه قانون نامه اور- نمو می گوید: «اگر همسر مردی به دنبال مرد دیگری برود و آن مرد با او هم خوابگی کند، آنها باید آن زن را سرزنند، اما آن مرد باید رها شود». که دامنه واقعی مورد قبول این ماده موضوع اغواء و اغفال مرد توسط زن است و به همین دلیل مرد رها و زن کشته می شود. (همان، ۱۲۶)

در عهد عتیق نیز این موضوع مورد اشاره است و فریب و اغفال مرد بی اطلاع، موضوع سه روایت در سفر پیدایش است (باب ۱۲ آیات ۱۰ تا ۲۰) (باب ۲۰ و ۲۶ آیات ۶ تا ۱۱) که در تمام آنها فرمانروایی بیگانه، از جمله فرعون در مورد اول با همسر یک شخصیت دینی هم بستر می شود در حالی که گمان می کند زن مورد نظر، خواهر ازدواج نکرده آن شخصیت دینی است. پیامد این عمل مجازات الهی است نه بشری.

۲) رضایت زن:

شرط دیگر، لزوم اثبات رضایت زن در زناى محصنه است. همچنان که در بالا ذکر شد در اسلام نیز در صورت وجود عنف و اکراه در هریک از گونه های زنا، قواعد زناى به عنف حاکم است.

در قانون هیتی ها ماده ۱۹۷ آزمایش خشک و انعطاف ناپذیری را مطرح می کند که: «اگر عمل در شهر رخ دهد رضایت مفروض تلقی می شود و اگر در دشت و صحرا بوده رضایت نیست و عمل تجاوز به عنف است». (نجفی، ۱۳۸۳: ۹۰)

در ماده ۱۲ لوح A قوانین آشوری میانه هم برای احراز فقدان رضایت زن، به این واقعیت که زن در خیابان به فعالیت مشروع مشغول بوده و به شواهد دال بر مقاومت زن نسبت به تمایلات متجاوز تکیه می کند. (همان، ۹۰)

در تورات نیز در سفر تشبیه برای احراز رضایت به همان شیوه ماده ۱۹۷ هیتی ها اعتماد کرده است. اما دلیلی مطرح می کند که در شهر داد و فریاد دختر و استمداد او شنیده خواهد شد و بنابر این اگر او فریاد نزند، رضایتش مفروض تلقی می شود (باب ۲۲ آیات ۲۴ تا ۲۷).

د) موضوع ماده ۶۳۰ ق.م.ا.^۱

علاوه بر آنچه ذکر شد، قوانین باستانی برای شوهر حتی حق قتل همسر و فاسق را در حین ارتکاب زنا قائل شده اند، شبیه به آنچه از فقه امامیه با تمام اما و اگرهای خود (ر.ک شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۲۰/۹ در مقایسه با خوئی، ۱۳۸۷: ۱۰۲/۴۲) وارد قانون مجازات اسلامی گردیده است.

طبق قوانین باستانی اگر شوهر دو طرف را در حین ارتکاب جرم دستگیر کند دو امکان دارد. اگر وی هر دو را در جا بکشد به دلیل قتل مسئول نیست (ماده ۱۹۷ قوانین هیتی ها، ماده ۱۲۸ قانون اشوننا و ماده ۱۵ الف لوح A، قوانین آشوری میانه) و اگر بخواهد ایشان را به دادگاه بیاورد که البته در این صورت مجازات مرگ اجرا می شود (ماده ۱۲۹ قانون حمورابی و ماده ۱۵ ب لوح A، قوانین آشوری میانه) البته تنها در قوانین هیتی ها، ماده ۱۹۸ به پادشاه حق بخشیدن زندگی به هر دو مجرم داده شده است. (نجفی، ۱۳۸۳: ۹۲)

ه) نوع مجازات:

چنان که در بالا ذکر شد در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران شدیدترین شکل مجازات مرگ، برای زن و مردی مقرر گردیده که با وجود شرایط احصان، اقدام به رابطه نامشروع جنسی نمایند؛ اما در قوانین باستانی، غالباً نوع مجازات و حتی اعمال آن بر زن، بسته به نظر شوهر است که از قتل و قطع عضو تا بخشش بدون مجازات متنوع است و مجازات زانی نیز بسته به مجازات زن و خفیف تر از آن است؛ که این نیز به سبب خصوصی بودن این جرم است. با توجه به این که مجازات

۱ ماده ۶۳۰ ق.م.ا. مقرر می دارد: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.»

سنگسار در قرآن کریم مورد اشاره قرار نگرفته، در سال‌های اخیر بحث‌هایی در خصوص شیوه اجرای این مجازات در محافل قضایی و حقوقی ایران مطرح بوده^۱ و براساس بخشنامه قوه قضاییه ظاهراً اجرای این حکم در مواردی متوقف شده ولی به هر حال این مجازات در قانون مجازات ایران وجود دارد.

۲.۱.۲.۱. زنای غیر محصنه (به رضایت بین دو فرد مجرد):

در حقوق اسلام و قانون مجازات اسلامی ایران، زنا به طور مطلق مورد جرم‌انگاری واقع شده و موارد مذکور در بالا به عنوان زنا یا به عنوان زنا به عنف و غیره همگی عوامل مشدده این جرم محسوب می‌شوند. قانون مجازات اسلامی پس از تعریف زنا در ماده ۶۳، در ماده ۸۸ پایین‌ترین حد زنا را یعنی همان مرحله‌ای که فرد محصن نباشد، با مقرر داشتن مجازات یک صد ضربه شلاق که آن هم برگرفته از نص صریح قرآن کریم در آیه ۲ سوره نور است، بیان می‌دارد. اما در قانون نامه‌های باستانی عملی تحت عنوان رابطه جنسی به رضایت بین دو نفر مجرد مورد جرم‌انگاری واقع نشده؛ که این خود می‌تواند به چند دلیل باشد:

الف) ممکن است با توجه به نقصان در کشف این قانون نامه‌ها، بخشی که به این جرم مربوط می‌شده، به دست ما نرسیده باشد. که این احتمال بسیار ضعیف است زیرا با تعدد قانون نامه‌های مکشوفه بعید است که جرمی مشترک در هیچ یک از آنها به دست ما نرسیده باشد. به خصوص این که برخی از آنها مانند قانون حمورابی به طور کامل یافت شده است.

ب) این که با توجه به سنتی بودن جوامع باستان و پایبندی به یک سلسله اخلاقیات خاص، این جرم زمینه ارتکاب نمی‌یافته است.

۱ بر اساس اظهار نقل شده از آیت‌الله سید محمد بجنوردی از اعضای شورای عالی قضایی سابق، نظر امام خمینی بعد از استقرار جمهوری اسلامی ایران بر عدم اجرای حکم رجم بوده و این موضوع در سال ۱۳۶۰ در قوه قضاییه به عنوان دستورالعمل کاری قضات بخشنامه شده است. (شکوری، www.roozna.com مورخ ۱۳۸۶/۵/۱۳) علاوه بر این، در بخشنامه شماره ۲۸۱۴/۷۷/۱ مورخ ۷۷/۳/۲۷ رییس وقت قوه قضاییه، با ضمیمه کردن مستندات از شیوه انعکاس مجازات رجم در خارج از کشور، توصیه شده که «به منظور خنثی کردن تبلیغات رسانه‌های خارجی و مصالح عالیه نظام جمهوری اسلامی ایران، قضات پرونده‌های مربوط را پس از قطعیت، به دبیرخانه قوه قضاییه بفرستند تا پس از اعلام بلا مانع بودن اجرای حکم، مراتب پیگیری گردد. علاوه بر این، با حسن تدبیر در انتخاب شیوه مناسب در خصوص اجرای حکم، ترتیبی اتخاذ فرمایند که مایه سوء استفاده معاندین و ضد انقلاب نشود». (معاونت آموزش قوه قضاییه، مجموعه بخشنامه‌ها (قوه قضاییه)، ۱۳۸۲، جلد ۲، ص ۴۴۴)

ج) و دیگر احتمال که مکمل سخن پیشین است، این که با توجه به راحتی معیشت و ازدواج در دنیای باستان، افراد نیازی به این عمل پیدا نمی‌کردند و به راحتی می‌توانستند اقدام به ازدواج نمایند و این جرم اصلاً موضوعیت پیدا نمی‌کرد.

شواهدی وجود دارد که می‌تواند پیشینه این جرم را به تورات و نظام کیفری یهود بازگرداند. هر چند از نظر آموزه های شریعت یهود، زنا با دختر باکره جرم شدیدی نیست و فقط غرامت در پی دارد و مرد باید با دختر ازدواج کند اما اگر دختر چنین ازدواجی را نپذیرد، اجباری در کار نیست.^۱ (سلیمانی، ۱۵۸) بنابراین، با توجه به بحث های قبل، تردیدی نیست که موضوع مطرح شده در سفر تثنیه، باب ۲۲ آیات ۲۰ و ۲۱: «جایی که معلوم شود همسری پیش از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ نکرده، مجازات او مرگ به شکل سنگسار است» در خصوص موردی است که رابطه جنسی او طی دوره ازدواج ناقص ارتکاب یافته است. زیرا در سفر پیدایش، باب ۳۸ آیه ۲۴، بی‌عفتی و زنا «تامار» موجب مرگ او شد زیرا به طور ناقص همسر «شیله» محسوب می‌شد. (نجفی، ۱۳۸۳: ۹۴)

در عین حال، می‌توان حکم متفاوتی را در تورات دید که نشانگر کیفر داشتن زنا در مورد دختر باکره در زمانی است که احتمالاً نامزد هم نداشته است. و آن موردی است که مردی با دختری ازدواج کند و پس از هم بستر شدن ادعا کند که دختر، باکره نبوده و پیش از ازدواج با وی، با مرد دیگری رابطه داشته است، اگر ادعای شوهر ثابت شود، این زن باید سنگسار شود، زیرا زمانی که در خانه پدرش می‌زیسته زنا کرده است. (تثنیه، ۲۲: ۲۱)

بدین ترتیب می‌توان گفت، سابقه جرم انگاری عمل زنا به رضایت بین دو فرد غیر محصن، به نظام های کیفری دینی باز می‌گردد.

۲.۳. لواط:

طبق ماده ۱۰۸ ق.م.ا: «لواط، وطی انسان مذکر است چه به صورت دخول باشد یا تفخیز». با این تعریف، لواط شامل دخول و تفخیز می‌شود و مواد بعد (۱۱۰ و ۱۲۱) در مجازات این دو تمایز قائل شده است؛ اولی مستوجب قتل و کیفر دومی صد ضربه شلاق است. این نظر برگرفته از قول مشهور فقهای شیعه است و برخی بر آن ادعای اجماع نموده اند. (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۷۸/۴۲ همچنین ر.ک شیخ طوسی، ۷/۸ و شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۱۰)، نظر اهل سنت نیز، مطابق قول مشهور شیعه، مبنی بر اعدام است (القیروانی، ۵۹۵) در عین حال، نظرات دیگری وجود دارد که احصان را در لواط هم شرط می‌داند، به طوری که در لواط دخولی غیر محصن، فاعل یک صد ضربه شلاق

۱. اگر کسی دختری را که نامزد نبود فریب داده با او هم بستر شود، البته می‌باید او را زن منکوحه خویش سازد و هر گاه پدرش راضی نباشد که او را بدو دهد، موافق مهر دوشیزگان نقدی بدو باید داد. (خروج، ۲۲: ۱۶-۱۷)

می خورد و مفعول اعدام می شود و در صورت احصان، هر دو اعدام می شوند؛ و در خصوص تفخیز، همان حکم مندرج در قانون جریان دارد. (خوئی، ۱۳۸۷: ۲۸۰/۴۱) از طرف دیگر، برخی از فقیهان و مفسران، آیه شانزدهم از سوره نساء را ناظر به بیان مجازات لواط دانسته‌اند. (ر.ک. طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۴/۲) آیه یاد شده می‌فرماید: «و آن دو تن را که مرتکب فاحشه شده‌اند آزار دهید، پس اگر توبه کنند و به صلاح روی آورند از آزارشان دست بردارید؛ زیرا خداوند توبه پذیر و مهربان است»^۱.

با توجه به عدم تعیین مجازات معین و مقدر شرعی در این آیه، لواط از جرایم مستوجب تعزیر خواهد بود. (نوبهار، ۱۳۷۹: ۲ و ۳)

الف) نوع مجازات:

با توجه به قول مشهور فقیهان اسلامی، مجازات لواط اعدام فاعل و مفعول است و دو نظر دیگر که قائل به مدخلیت احصان جهت اعدام در لواط و تعزیری بودن جرم لواط با مجازات «بما یراه الحاکم» است، نظر اقلیت بوده و قانونگذار ایران نیز به آن توجهی ننموده است. اما بر حسب بررسی تاریخی، در قوانین آشوری میانه ماده ۲۰، مجازات لواط را نوعی مجازات آئینه‌ای و خنثی کننده به نحو توأمان دانسته که عبارت است از لواط کردن با مجرم و اخته نمودن او:

ماده ۲۰: «اگر مردی با دوست خود لواط کند و آنها وی را مورد تعقیب قرار دهند و جرم او ثابت شود، آنها با وی لواط خواهند کرد و او را اخته می‌کنند».

برخی از محققان گفته‌اند که این مجازات عجیب، مبتنی بر تمایز قائل شدن بین لواط فاعلی و مفعولی است، زیرا لواط مفعولی سهم طبقات پست اجتماع بوده و چنین تمایزی در کتاب مقدس منعکس نشده است. (نجفی، ۱۳۸۳: ۷۷) پست بودن نقش مفعول در لواط، در نظر فقهایایی که در مجازات آن بین محصن و غیر محصن تفاوت قائل شده‌اند نیز، منعکس است و در هر حال، او را محکوم به مرگ می‌دانند.

در قوانین هیتی‌ها، در کنار صحبت از زنا با محارم، لواط با پسر (فرزند) هم مطرح شده است. در ماده ۱۸۹ آمده: «اگر مردی با مادر، دختر، یا پسر خود روابط جنسی برقرار کند، رابطه‌ای غیر مجاز خواهد بود». در خصوص مجازات آن هم، پیشتر، در بخش زنا با محارم توضیح داده شد. در تورات «خوابیدن با مرد همانگونه که با زن می‌خوابند» (منظور لواط است) در سفر لاویان، باب ۱۸ آیه ۲۲، گونه‌ای دیگر از عمل «شنیع» یا «بسیار قبیح» تلقی و برای هر دو طرف در لاویان، باب ۲۰ آیه ۱۳ (مانند مقررات اسلامی) کیفر مرگ مقرر شده است.

۱. وَالَّذِينَ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرَضْنَا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا.

با توجه به رویکرد کلی قانون نامه های باستانی، که معمولاً حکم مورد خاص را بیان می کنند، می توان نتیجه گرفت که لواطی که در قوانین آشوری آمده، نوعی قضیه واقعه بوده و تاسیس جرم لواط، به عنوان قضیه ای کلی، نخستین بار توسط قوانین الهی صورت پذیرفته است.^۱

۲.۲. مساحقه:

مساحقه، همجنس بازی زنان است با اندام تناسلی. (ماده ۱۲۷ ق.م.ا) این عمل، مطابق ماده ۱۲۹ ق.م.ا مستوجب یک صد ضربه تازیانه برای طرفین است. در قانون نامه های باستانی، سابقه ای از مجازات احتمالی برای این عمل یافت نشده است.

۳. بزه های جنسی غیر مستقیم:

۱.۳. قذف:

قانون مجازات اسلامی ایران، با توجه به مستند قرآنی جرم بودن نسبت دادن عمل ناروا به دیگری و عدم توان اثبات آن،^۲ و با توجه نظرات حقوقدانان اسلامی، در ماده ۱۳۹، قذف را به نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری تعریف کرده و در ماده ۱۴۰ مجازات حدی آن را تعیین نموده است.^۳

آنچه در این مقال به آن می پردازیم، مورد قذف زوجه توسط زوج است که می تواند وجه مشترک قانون نامه های باستانی، شریعت یهود و مقررات حقوق اسلامی در این خصوص باشد. مجازات قذف در اسلام، از مجازاتهای حدی است که در قرآن صراحتاً به آن پرداخته شده و محدود به هشتاد ضربه تازیانه است. اما مجازات این عمل در قوانین باستانی، بیشتر مجازات مالی و جریمه است، هرچند برخی قوانین، شلاق و مجازاتهایی دیگر را نیز به جریمه افزوده اند. در این خصوص قانون اور- نمو، به عنوان قدیمی ترین سند، یک ماده خود را به این جرم اختصاص داده است. ماده ۱۴ این قانون نامه، در مورد قذف زوجه توسط زوج مقرر می دارد: «اگر مردی همسر خود را به رابطه جنسی با مرد دیگری متهم کند و قواعد اوردالی گذر از رودخانه، بی گناهی زن را ثابت کند، مردی که آن زن را متهم کرده باید یک سوم مینای نقره بپردازد». قوانین آشوری میانه، لوح A، ماده ۱۸، در صورت ایراد اتهام زنا، شلاق، پرداخت جریمه مالی و اخته کردن را تحمیل می کند. (نجفی، ۱۳۸۳: ۹۹)

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص دیدگاه های ادیان در مورد هم جنس بازی (homosexuality) مراجعه شود به : Jeffrey S. Siker, *Homosexuality and religion*, Greenwood Press, USA, 2007.
 ۲. والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا باریعه شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدہ... (سوره نور، آیه ۴)
 ۳ حد قذف برای قذف کننده مرد یا زن هشتاد تازیانه است

نکته جالب، ماده ۱۳۱ قانون نامه حمورابی است که مقرر می دارد: «اگر شوهری همسر خود را به زنا متهم کند، اما دلیل محکمی نداشته باشد، زن باید برای تبرئه خود از مسئولیت کیفری بر بی گناهی خود سوگند یاد کند.» و بار اثبات را به طور کلی از مرد برداشته و بر زن تحمیل نموده که این امر، شاید ناشی از مرد سالارانه بودن فرهنگ آن عصر باشد.

در عهد عتیق نیز سفر تثبیه، در باب ۲۲ آیات ۱۳ تا ۱۹، به این مساله می پردازد که در جایی که شوهری همسرش را به بی عفتی قبل از ازدواج متهم کند، (که در صورت اثبات مستوجب سنگسار است)، مجازات مرد در صورت دروغ بودن این ایراد اتهام، عبارت است از شلاق، پرداخت جریمه مالی و ممنوعیت طلاق. (مثنی، ۲۲: ۱۹-۱۳) هر چند به نظر می رسد ممنوعیت طلاق از این نظر، که در صورت قذف زن و طلاق وی در جوامع کوچک آن زمان به دلیل شناخت عمل نسبت داده شده به وی دیگر قادر به ادامه زندگی نبوده است و هیچکس حاضر به ازدواج مجدد با او نبود نوعی حمایت نسبت به بزه دیده، یعنی زن است، ولی معلوم نیست ممنوع کردن طلاق و محکوم کردن زن به ادامه زندگی این چنین، زندگی مطلوبی برای زن تنظیم کند. رویکرد شریعت اسلام، از نظر تعیین مجازات برای عمل ارتكابی مرد، منطق روشن و کرامت داری برای زن را رقم می زند.

۲.۳ قوادی

جرم قوادی نیز که انعکاس دیدگاه های حقوق اسلامی در قانون مجازات اسلامی است؛ مواد ۱۳۵ تا ۱۳۸ را به خود اختصاص داده و تعریف آن عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط. (ماده ۱۳۵) مجازات این بزه برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق و تبعید از محل به مدت سه ماه تا یکسال، و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است. (ماده ۱۳۸) این جرم نیز از مختصات فقه اسلامی بوده و سابقه ای از آن در قانون نامه ها و مقررات کیفری یهود ذکر نشده است. (رک. نوبهار، ۱۳۸۷: ۱۹۴؛ سلیمانی، ۱۶۴)

۳. رابطه جنسی با حیوان

بهیمیت، از جمله گناهانی است که در فقه اسلامی، قوانین باستانی و شریعت یهود بدان اشاره شده اما در قوانین ایران سخنی از آن به میان نیامده است.

این جرم نیز در پیشینه تاریخی خود با کیفر مرگ روبرو بوده است، هرچند در فقه اسلامی نظرات متفاوتی ابراز شده است.

در قوانین هیتی ها، مواد ۱۸۷، ۱۸۸ و ۱۹۹، رابطه جنسی میان یک مرد و گاو، گوسفند، خوک و سگ را تحت عنوان «حورکل» طبقه بندی می کند. این مقررات صریحا کیفر مرگ را مقرر می کنند اما با اعطای حق عفو به پادشاه.^۱

در تورات، سفر لاویان، باب ۱۸ آیه ۲۳، فهرستی از رابطه شنیع از سوی زن یا مرد با حیوان را در بر دارد و در باب ۲۰ آیات ۱۵ و ۱۶، مجازات مرگ را برای مجرم و حیوان مقرر می کند. (لاویان، ۱۸: ۲۳؛ خروج، ۱۹: ۲۲؛ لاویان، ۲۰: ۱۶-۱۵) در فقه اسلامی، به رابطه زن با حیوان چنان که در تورات مطرح شده، پرداخته نشده است.

در فقه اسلامی، در خصوص وطی و رابطه با حیوان چهار نظر وجود دارد، عده ای قائل به قتل واطی هستند، عده ای او را مستحق حد زنا می دانند، گروهی یک چهارم حد زنا را لازم الاجرا می دانند، اما نظر بهتر این است که مرتکب تعزیر می شود و نظر اتفاقی در خصوص حیوان این است که اگر حلال گوشت باشد، گوشت او حرام می شود و باید ذبح گردیده و سوزانده شود و اگر حرام گوشت باشد از شهر خارج شده و به فروش می رسد و در هر حال، واطی ضامن حیوان است. (شیخ طوسی، ۷/۸، ابن براج، ۵۳۳/۲، خوئی، ۱۳۸۷: ۴۱۵/۴۱ همچنین ر.ک. ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۶۸/۳) اهل سنت نیز مجازات تعزیر را مناسب تر می دانند. (القیروانی، ۵۹۹)

۴. نتیجه:

بررسی قانون نامه های باستانی که صرف نظر از مبنا و خاستگاه اصلی، مقرراتی بشری محسوب می شوند و آموزه های ادیان متقدم بر دین اسلام، و به ویژه دین یهود که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت، حکایت از تمایل فطری انسان ها به قانون مندی و محدودیت هایی در روابط جنسی انسان های غیر هم جنس و هم جنس دارد که در مقررات باستانی بشری و آموزه های

۱. ماده ۱۸۷: اگر مردی با ماده گاوی آمیزش کند رابطه ای غیر مجاز بوده و کشته خواهد شد. او را به محکمه پادشاهی می برند و خواه پادشاه دستور قتل او را داد یا جانش را ببخشد، حق حضور در محضر پادشاه را نخواهد داشت (مبادا که افراد دربار را بی حرمت و آلوده سازد).

ماده ۱۸۸: اگر مردی با گوسفندی آمیزش کند، رابطه ای غیر مجاز بوده و کشته خواهد شد. او را به محکمه پادشاهی می برند، پادشاه ممکن است دستور قتل او را داده یا جانش را ببخشد اما او حق حضور در محضر پادشاه را نخواهد داشت.

ماده ۱۹۹: هرگاه کسی با یک خوک یا یک سگ رابطه جنسی برقرار نماید، شاه ممکن است دستور قتل آن انسان و حیوان را صادر کرده و یا جانشان را ببخشد اما آن انسان حق حضور در محضر پادشاه را نخواهد داشت...

شگفت اینکه ماده ۲۰۰ الف مقرر می دارد: اگر مردی با اسب یا قاطری رابطه جنسی برقرار نماید عمل او جرم نخواهد بود ولی آن مرد حق حضور در محضر پادشاه را نداشته و هرگز نمی تواند کاهن شود....

ادیان ابراهیمی و از جمله شریعت یهود و اسلام، مورد حمایت قرار گرفته است. به همین دلیل، بررسی تطبیقی مقررات باستانی و آموزه های دینی، نشانگر شباهت بسیار گسترده ارزش های زندگی اجتماعی در زمینه روابط جنسی است. بر این اساس می توان نتیجه گرفت، تمایل به برداشتن محدودیت های جنسی، به ویژه در میان افراد هم جنس، که در جهان معاصر طرفدارانی پیدا کرده است، به گونه ای فاصله گرفتن از فطرت و طبیعت انسانی و نوعی واکنش افراطی و انفعالی به پیرایه هایی است که به نام دین یا امور مقدس، برخی محرومیت ها را برای انسان رقم زده است. با وجود شباهت های زیاد در ارزش گذاری کیفری و تحمیل مجازات برای جرایم جنسی میان آموزه های دینی و متن قانون نامه ها، تفاوت هایی در این خصوص مشاهده می گردد که برخی از آنها را می توان به تفاوت روش علمی در بین النهرین برای مطالعه حقوق مربوط دانست. شیوه ای که بیش از این که قاعده مند و کلی باشد، به صورت قضیه ای واقعه و جزئی است. بنابر این اگر رفتاری در این مقررات مورد اشاره نیست، دلیل بر این نمی شود که در آن جوامع آن عمل ضد ارزش محسوب نمی شده و جرم نبوده است.

علاوه بر این، بررسی های این مقاله نشان می دهد با وجود این که تقریباً همه آموزه های اسلامی در خصوص جرایم جنسی ماهیتی امضایی دارند، اما رویکرد تکاملی و کرامت مدار مقررات اسلامی در مقایسه با مفاد قانون نامه ها و شریعت یهود، جنبه تأسیسی دارد. به گونه ای که در فلسفه جرم انگاری بزه های جنسی و یا اهداف مجازات ها در اسلام، آنچه بیشتر مورد توجه است، حفاظت از حریم اجتماع، خانواده و اخلاق است، در حالی که در قانون نامه ها، یا متونی که به عنوان آموزه های شریعت یهود در دسترس است، در برخی موارد، خصوصی بودن جرایم جنسی، و به ویژه در اختیار همسر یا پدر بودن تعقیب این جرایم، و یا پرداخت خسارت به پدر دختر در روابط جنسی - حتی با عنف و اکراه - و یا اجبار به ازدواج زن با مرد خطاکار، رویکرد اخلاق محور و کرامت مدار تلقی نمی شود.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

۱. آشوری، محمد، (۱۳۵۹)، **عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی**، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره ۷.
۲. حلی. ابن ادریس. (۱۴۱۰) **السرائر**. موسسه نشر اسلامی.
۳. خوئی. سید ابوالقاسم. (۱۳۸۷) **مبانی تکمله المنهاج**. چاپ سوم. موسسه احیاء آثار امام خوئی.
۴. ریموند وستبروک. مارتا راث. سوفی لافون و دیگران. (۱۳۸۲) **تاریخ حقوق بین‌النهرین آغاز قانونگذاری**. (ترجمه)، به کوشش حسین بادامچی. چاپ اول. تهران. طرح نو.
۵. سرخسی. شمس الدین. (۲۰۰۱) **المبسوط**. چاپ اول. بیروت. دار الکتب العلمیه.
۶. سلیمانی، حسین، **مجازات ها در حقوق کیفری یهود**، هفت آسمان، شماره ۹ و ۱۰، ۲۴۲-۲۰۴.
۷. سلیمانی، حسین، **ادله اثبات دعوی کیفری در آیین یهود**، هفت آسمان، شماره اول، ص ۶۵-۸۸.
۸. سیدی احمد الدردیر. (بی تا) **ابوالبرکات. الشرح الکبیر**. إحياء الکتب العربی.
۹. شربینی. محمد. (۱۳۷۷) **مغنی المحتاج**. مصر. مطبعه مصطفی البابی الحلبي و اولاده.
۱۰. شریف مرتضی علم الهدی. (۱۴۱۵) **الانتصار**. قم. موسسه نشر اسلامی.
۱۱. شهید ثانی. زین العابدین بن علی. (۱۴۱۰) **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه**. قم. چاپ اول. انتشارات داوری
۱۲. شیخ طوسی. **مبسوط**. (بی تا) مکتبه الجعفریه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۱۳. صالح، علی پاشا، (۱۳۸۳) **سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق)**، چاپ دوم، تهران. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران،
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰) **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، چاپ اول. انتشارات فراهانی.
۱۵. عبد الله بن قدامه. (بی تا) **المغنی**. دارالکتب العربی.
۱۶. قاضی ابن براج. (بی تا) **المهذب**. قم. موسسه نشر اسلامی .
۱۷. القیروانی. ابن ابی زید. (بی تا) **رساله ابن ابی زید**. بیروت. مکتبه الثقافیه.
۱۸. کریمی جهرمی. علی. (۱۴۱۲) **الدر المنضود**، تقریرات درس آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی. قم. چاپ اول. دارالقرآن الکریم.
۱۹. کهن. راب. (۱۳۵۰) **گنجینه ای از تلمود**. ترجمه امیر فریدون گرگانی. چاپ زیبا.
۲۰. گلن، ویلیام و مرتن، هنری، (۱۳۸۳) **کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید**. ترجمه فاضل خان همدانی. چاپ دوم. انتشارات اساطیر.
۲۱. مالک بن انس. (۱۳۲۳) **المدونه الکبری**. مصر. مطبعه السعاده.
۲۲. مصری حنفی. (بی تا) **ابن نجم. البحر الرائق**. بیروت. دارالکتب العلمیه.

۲۳. محقق حلی. (۱۴۰۹) **شرایع الاسلام**. انتشارات استقلال.
۲۴. میک، تئوفیل، (۱۳۷۶) **قانون نامه حمورابی**، ترجمه کامیار عبدی، چاپ دوم، تهران. سازمان میراث فرهنگی،
۲۵. ناس. جان بایر. (۱۳۸۷) **تاریخ جامع ادیان**. ترجمه علی اصغر حکمت. چاپ هیجدهم. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. نجفی ابرند آبادی. علی حسین و بادامچی. حسین. (مترجمان)، (۱۳۸۳) ، **تاریخ حقوق کیفری بین النهرین**. چاپ اول. انتشارات سمت.
۲۷. نجفی. محمد حسن، (۱۳۶۷) **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**. چاپ سوم. دارالکتب اسلامیة.
۲۸. نوبهار. رحیم. (۱۳۷۹) **اهداف مجازاتها در جرایم جنسی مستوجب حدّ در حقوق کیفری اسلام**. مجله نامه مفید. شماره ۲۳. ۱۳۳ - ۱۶۲.
۲۹. نوبهار. رحیم. (۱۳۷۸) **مقررات کیفری، جرایم و مجازات ها در تورات**. نامه مفید. شماره ۱۷. ۲۰۴ - ۱۸۱.
۳۰. هافنر. هری. (۱۳۸۴) **قوانین هیتی ها، قانون نامه ای از آسیای صغیر**. ترجمه فرناز اکبری چاپ اول. تهران. انتشارات حقوقی.

ب. خارجی

1. Birnbaum. Philip. (1995) **Encyclopedia of Jewish Concepts**, New York, Hebrew publishing Company.
2. E. van Donzel, B. Lewis and Ch. Pellat (eds). (1990) **The Encyclopedia of Islam**. E.J. Brill.
3. Ellis Wild. Susan. (2006) **Webster's new world dictionary**. Canada. Wiley Publishing, Inc.
4. Elliot and Quinn. (2000). **Criminal law**. Third edition. Pearson Education limited.
5. Jeffrey S. Siker, (ed), (2007) **Homosexuality and religion**, USA, Greenwood Press.